

باسمه سبحانه و تعالی

(1) بعد از تصدیق کلام بفواجح شکر و سپاس حضرت¹ ملک علام² و تعطیر مشام بروایح صلوات و سلام حضرت¹ سید انام علیه السلام² مرفوع رای (2) فلک ارای عالیحضرت خلافت منزلت سلطنت مرتبت عدالت منقبت رستم شجاعت نوشیروان عدالت سکندر سپاه سلیمان دستکاه واضع قوانین عدل و احسان (3) رافع اینین ظلم و عدوان ناصر اولیا³ الله⁴ قاهر اعداء⁴ الله⁵ ظل⁵ الله⁶ فی الارض عامر المعموره بالطول و العرض (4) سلطان ممالک سلم و تور و ارث سلطنت قیصر و فصفور⁷ سلیمانی که پیش تخت او شاهان کر بسته چو مور آیند پیش پایۀ تخت سلیمانی⁶ خلد⁶ الله تعالی⁷ زمان دولته و شید ارکان خلافته میگرداند که غرض (5) از تجمل و غناء مستعار و تحمل احوال و عناء اخطار بفتح بلدان و امصار نه فسحت ملک و کثرت اشتهار است بلکه غرض کلی و مقصود اصلی (6) دفع شر اهل بغی و عناد و قلع و قمع ارباب فتنه و فساد و اعلاء اعلام دین و افناء اقسام جور و کین است و همه وقت ادعا بوده و هست که (7) دفع شر قز یلباش او باش بدمعاش که بر ممالک خراسان و عراق استیلا یافته اند نموده درباب فتح راه مکه معظمه و مدینه مکرمه شر فهما⁸ الله تعالی⁸ تعظیما و تکریما که (8) بشومی ان دد و شان دیو صورت و سبع صفتان عفریت سیرت مسدود شده غایت اهتمام بتقدیم رسانیده شود بدانجهه قبل ازین زبده الخواص محرم حریم قرب (9) و اختصاص نظام الدین داداش بیک را بمرافقت دولتماب سعادت نصاب احمد چاوش بدان استان خلافت مکان فرستاده جبهه دفع شر انکروه مکروه استمداد نموده بودیم (10) و داعیه چنان بود که بعد از آمدن ایلچی با جمیع عساکر شیردل مانند قضاء نازل بر سر انقوم ضال مضل توجه نمایم و خار و خاک شاک و جود ناپاک انکروه ملعون را که

(11) متصف بصفته¹ انهم لایومنون⁹ اند از خطه¹⁰ خاك بدریاء هلاك رسانیم در خلال ان احوال که ایلیچیان مشارالیهما از ان استان عز و اقبال امده سیصد نفر¹⁰ میلیتیق¹⁰ انداز (12) مکمل مسلح مع ضربه زنها و ادواتی که فرستاده بودند آوردند حضرت خلافت منزلت عدالت نشان¹ ابوالغازی عبداللطیف خان¹¹ دست از اسباب جهانبانی کشیده ازین سرای فانی (13) بجهان جاودانی خرامید و نوبت خلافت و خانی و رتبه پادشاهی و جهانبانی چنانچه قاعده و ایین این سلسله سپهر تمکین است بذات همایون صفات ما رسید جمعی از برادران (14) خورد که در سمرقند در ملازمت حضرت خان بودند بسبب تلیسیات مفسدان خوشامد کو و خیالات کوتاه اندیشان تقرب جو آغاز مخالفت نموده طریق منازعترا (15) بقدم کوتاه اندیشی پیوده پشت اعتماد بر حصانت قلعه نهادند بدانجهت درین دو سال خیال غزاة و اندیشه قتال که مکنون ضمیر و مخزون خاطر خطیر بود در تعویق (16) افتاد و درین مدت صلہ رحم و شفقت اخوت مانع محاربه و مجادله امده بر حسب¹ احسن الی من اشا¹² پای تحمل و وقار در دامن تضر و قرار کشیده ایشانرا (17) بنصایح مشفقانه از راه مخالفت بوادی موافقت دلالت فرمودیم عاقبه الامر بر تقصیرات خود واقف گردیده دستی در دامن استکبار داشتند بتضرع در کریبان (18) استغفار زده بر طبق فرمان لازم الاذعان¹ و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت توانا¹³ عفو جرایم خودرا امل و سائل امند (19) و مارا جبهه تصرف نمودن تخت سمرقند طلب فرمودند ما نیز قلم عفو در جراید اعمال و افعال ایشان کشیده در پانزدهم ثور سوار شده متوجه سمرقند شدیم انشا¹ الله تعالی¹⁴ (20) چون تخت سمرقند از جلوس همایون رشك این طارم نیلگون شود کس معتبر خودرا باحمد چاوش همراه نموده خواهیم فرستاد که پایه موافقت (21) و صداقترا طبقا عن طبق اشد و ارفع گردانند و

رتبه اخوت و مخالفت را بچندین درجه اکثر و اقوی سازند و در باب دفع مخالفان دین که (22) محرك سلسله لعنه الله على الظالمین اند موعدی قرار خواهیم داد و نیت ان و عزیمت چنان است که تا باتفاق (23) انحضرت سپهر نصرت ممالک خراسان و عراق را از خبث و جود ان ملاعین پاک نسازیم بهیچ امر دیگر نپردازیم انشاء¹ الله تعالی^{15f} (24) و چون عمده الخواص صادق الاخلاص مبارز الدین یاوش بی که از مقربان و معتمدان درگاه جهان پنه است درینا ولا بدالات (25) دولت اسمانی و هدایت سعادت ناکهانی بر حسب خطاب بلا ارتیاب¹ و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً^{16f} احرم حرم مکرم بسته بود (26) بدین چند کلمه کستاخی نمود تا سبب تاخیر معلوم نواب پایه سریر سپهر نظیر گردد توقع انکه دایم الاوقات باعلام سوانح حالات (27) منت نهند زیادت اطناب نرفت ظل عظمت و کامرانی جاودانی¹⁷ ممدود باد رمضان المبارک سنه ۹۶۱